

گور به گور

ویلیام فاکنر
ترجمہ نجف دریا بندری



یادداشت مترجم

«مغور به مغور» عنوانی است که من روی این رمان گذاشته‌ام، زیرا نتوانسته‌ام عنوان اصلی آن را به عبارتی که خود بپسندم به فارسی درآورم. «همچون که دراز کشیده بودم و داشتم می‌مُردم» کوتاه‌ترین عبارتی است که به نظر من معنای عنوان اصلی را دقیقاً بیان می‌کند.

این رمان را فاکنر در ۱۹۳۰ - یک سال پس از «خشم و هیاهو» - نوشته است. خود او مدعی بود که نوشتن آن را در ظرف شش هفته - آن هم با کار شبانه، پای کورهٔ آتش یک نیروگاه محلی - به پایان رسانده و پس از آن هم دستی در آن نبرده است؛ ولی ساختمان داستان و ظرافت پیوندهای آن چنان است که خواننده گمان می‌کند باید بیش از این‌ها وقت و «عرق‌ریزی روح» صرف پروراندن آن شده باشد. در هر حال، این رمان را بسیاری از منتقدان ساده‌ترین و در عین حال کامل‌ترین رمان فاکنر می‌دانند؛ برخی حتی آن را شاهکار او نامیده‌اند. آنچه مسلم است، این رمان همیشه مدخل خوبی به دنیای شگفت و پر آشوب داستان‌های فاکنر به‌شمار رفته است؛ اگرچه در مورد همین رمان هم باید گفت که سادگی آن تا حدی فریبنده است و دقایق و ظرایف آن غالباً در نگاه اول آشکار نمی‌شود.

آدم‌های این رمان روستاییان ساده - و گاه ساده‌لوح - ایالت میسی‌سیپی، در جنوب امریکای شمالی، هستند - در زمان نامعینی که

شاید کمی بعد از جنگ جهانی اول باشد، و داستان از زبان خود این آدم‌ها نقل می‌شود. در ترجمهٔ این زبان من خود را ناگزیر دیده‌ام که، اولاً، دامنهٔ آزادی مترجم را اندکی وسیع‌تر از حد معمول بگیرم و، ثانیاً، گفتار را نه به «لفظ قلم» بلکه به همان صورتی که از دهان جاری می‌شود - به زبان گفتار - ضبط کنم. در این کار نه تنها از افراط پرهیز کرده‌ام، بلکه کوشیده‌ام تا آنجا که فضای زبان محاوره اجازه می‌دهد صورت مکتوب کلمات را نگه دارم. اما هر کس بیش از یکی دو صفحه گفتار فارسی را به صورت آوانگاری (فونتیک) با خط فارسی ضبط کرده باشد می‌داند که حفظ یک شیوهٔ یکدست و منسجم در این کار ابداً مقدور نیست. بنابراین یکدستی یا انسجام مطلق فضیلتی است که نباید از رسم الخط این کتاب انتظار داشت.

ترجمهٔ «گور به گور» از روی چاپ دو زبانهٔ انگلیسی و فرانسوی این رمان (انتشارات گالیمار، ۱۹۹۰) تهیه شده است. روایت فرانسوی رمان در روشن کردن تاریکی‌های زبان عامیانهٔ جنوب غربی امریکا بسیار مفید واقع شد.

پس از آماده شدن ترجمهٔ فارسی دوست گرامی ام منوچهر بدیعی از راه لطف یک بار دیگر آن را با اصل انگلیسی و ترجمهٔ فرانسوی اش مطابقت کرد و یادداشت‌های فراوان خود را در اختیار من گذاشت؛ از لطف او بسیار سپاس گزارم.

چاپ دو زبانهٔ رمان را دوست گرامی حسین حسینخانی از سفری به پاریس هدیه آورد؛ از محبت او هم به جای خود سپاس گزارم.